

تحلیلی از علوم و ادبیات متعهد شیعی در گستره حکومت علویان

غفار محمدی*

روح الله قنبری**

دانا طالب پور***

چکیده:

علویان در طول یکصد و هفتاد سال حکومت خود در علوم و ادبیات طبرستان مؤثر واقع شدند. هر چند با گذشت زمان جانشینان آنان به تدریج از داعیه‌های نخستین دور شده، تنها ظاهر و شکل شعارگونه‌ای از آرمان‌های اولیه را نگه داشتند. دامنه نفوذ نهضت علمی و ادبی آنان به تدریج از مرزهای طبرستان، گیلان و دیلم پا بیرون نهاد و مردمان سایر بلاد نیز آیین علویان را پذیرا شدند. نهضت علمی و ادبی علویان در سایه‌سار اقدامات آنان بوده است که از مهم‌ترین اقدامات آنان می‌توان به این موارد اشاره کرد: توجه به اصحاب علوم و ادبیات، تشویق و حمایت مادی و معنوی از آنان، تأسیس مساجد، مدارس علمیه و کتابخانه‌ها، توجه به شعر و ادبیات به عنوان اهرمی در جهت نشر و گسترش عقائد سیاسی و مذهبی شیعه. این گفتار بر آن است که ضمن بررسی جایگاه علوم و ادبیات در گستره حکومت علویان طبرستان، دلایل توفیق آنان را باز شناسد و به تحلیل و ارزیابی آن بپردازد.

واژگان کلیدی: طبرستان، علویان، علوم، ادبیات.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی و مدرس دانشگاه.

** کارشناس ارشد تاریخ اسلام و مدرس دانشگاه.

*** دانشجوی دکترای ادبیات عرب.

مقدمه:

در ۲۵۰ قمری جرقة تشکیل حکومت علوی در طبرستان زده شد. این جرقة، رویدادی بود که ریشه در تحولات پیشین داشت. عاملان طاهری در طبرستان، به مردم ستم می کردند و به تدریج خشم مردم را بر می انگیزتند. شخصی با نام جابر بن هارون نصرانی، زمین های بی مالک دیلم و گیلان را به نام امیر طاهری به تصرف در می آورد. این رخدادها زمینه شورش را فراهم کرد. دو برادر با نام های محمد و جعفر فرزندان رستم - که به نظر می رسد پدرشان از آیین زرتشتی بریده و مسلمان شده بود - نفوذ چشمگیری در این ناحیه داشتند. آنها یکی از علویان مقیم طبرستان - محمد بن ابراهیم - را به یاری خواستند. وی گفت که شخص قوی تری را می شناسد که بهتر می تواند آنها را رهبری کند و حسن بن زید علوی را که در شهر ری اقامت داشت، به آنان معرفی کرد. آنها همراه با نامه ای از آن علوی، به سوی حسن بن زید رفتند و او را به طبرستان فرا خواندند. وی دعوت را پذیرفت و وقتی به طبرستان آمد، همه مردم آن ناحیه، از چالوس تا رویان و مازندران را آماده بیعت با خود دید و به گفته ابن اسفندیار، جمله مردم طبرستان، بیعت قبول کردند. به هر روی پس از حوادثی علویان بر طبرستان چیره شده و بعد از آن که پایه های قدرت سیاسی خود را مستحکم کردند، دست به نهضتی علمی و ادبی در گستره حوزه های تحت نفوذ خود زدند. ناگفته نماند حضور علویان راستین، در هر نقطه ای از ممالک و بلاد اسلامی صرف نظر از این که از نظر سیاسی موفق به تشکیل حکومت شده اند یا نه، همواره موجب رشد و تعالی فکری مردم آن منطقه شده است. البته باید پذیرفت بنابر دلائل متعدد این روند همواره سیر آرمانی خود را طی نکرده و به جهاتی گاه دچار افول نیز شده است. به هر صورت حضور دولت علویان در طبرستان و تشکیل حکومت مقتدر شیعی منجر به اقدامات اساسی در ابعاد مختلف علمی، ادبی و هنری به عنوان میراث عظیم فرهنگ شیعی شده است که در ادامه به بررسی ابعاد این تأثیر می پردازیم: تأثیر علویان در گسترش دستاوردهای فکری و علمی شیعه در طبرستان آنچه از اخبار و روایات تاریخی بر می آید این است که داعیان علوی خود اهل فضل و علم و دانش بودند و بارگاه آنان محل نشو و نما و ملاذ پژوهندگان علوم دینی و سایر فضلاء بود سرآمد داعیان حسن بن زید معروف به داعی کبیر، فقیهی دانشمند بود و تألیفاتی از جمله کتاب **الجامع فی الفقه**، کتاب **البيان** و کتاب **الحجة فی الامامة** داشته است. ابن ندیم نیز می نویسد حسن بن زید در علم فقه دست داشت و آن کتابها را به او نسبت می دهد. همچنین نقل شده که او مردی عالم، فاضل، ادیبی ظریف، متدین و صاحب علو نسب

بود اهمیت داعی کبیر به عنوان یکی از بزرگترین و قدرتمندترین حاکمان شیعی علویان طبرستان از آنجاست که او پایه‌های علمی و فقهی و عقیدتی شیعه را با تألیفات خود بنیاد گذاشته و آن را قوام بخشیده است در مورد اطروش نیز که خود از سرآمدان علوم شیعی در دولت علویان بود، نوشته‌اند: «از اطراف جهان برای استفاده پیش او آمدندی و اقتباس فنون و علوم کردند و از فقه و احادیث و نظر و شعر و ادب سیدی بسیار افادت بود» اولیاء الله آملی در رابطه با جایگاه علمی و فکری اطروش می‌نویسد: «او سیدی بزرگ و فاضل بود و در همه علوم متفنن، صاحب رای و تصانیف و سالها مصاحب الداعی حسن بن زید و الداعی محمد بن زید بود». نجاشی وی را از علماء امامیه و صاحب کتاب‌هایی در این زمینه معرفی کرده است. حسن بن علی (ناصر کبیر) نیز یکی از علمای مهم زیدیه به شمار می‌آید. چنان که نزدیک به ۱۰۰ کتاب در موضوعات دینی به نگارش در آورده است و بسیاری از مردم برای آموختن علم و دانش، به سوی آمل - که محل اقامت او بود - حرکت کردند. ابن ندیم در کتاب الفهرست بسیاری از این کتاب‌ها را یاد کرده است از جمله: ۱- کتاب الطهارة ۲- کتاب الاذان و الاقامة، ۳- کتاب الصلوة ۴- کتاب الایمان و الذور ۵- کتاب الصیام ۶- کتاب المناسک ۷- کتاب السیر ۸- کتاب الزکاة ۹- کتاب الرهن ۱۰- کتاب بیع امهات الاولاد ۱۱- کتاب القسامه ۱۲- کتاب الشفعه ۱۳- کتاب الغصب ۱۴- کتاب الحدود. میترا مهرآبادی در کتاب تاریخ سلسله‌های ایرانی معتقد است که شاید درخشان‌ترین چهره علمی و ادبی دولت علویان ناصر کبیر باشد که مدت مدیدی از محضر امام حسن عسکری (ع) کسب علم کرده بود ابن اسفندیار، مورخ قرن ششم هجری، که ۳۰۰ سال بعد از او در طبرستان زندگی می‌کرد، می‌نویسد: فضل و علم و زهد و آثار کرامت او هنوز در گیلان و دیلمان ظاهر است و مذهب و طریقت او معتقد گیل و دیلمان است. ظهیرالدین مرعشی در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران در رابطه با شیوه حکومت داری داعی صغیر و توجه او به علم و دانش و حمایت‌های او از دانشمندان و عالمان می‌گوید: داعی (داعی صغیر) در آمل بدین موجب می‌گذرانید که یک روز به مناظره علم فقه و آداب شریعت و قضاء بنشستی و روز دیگر به احکام مظالم و روز دیگر به تدبیر ملک و اقطاعات و روز جمعه به احوال محبوسان و مثل هذا می پرداختی و اهل علم و فضل و بیتوتات قدیمه را احترام و اعزاز می نمودی و از هیچ اهل فضل و علم خراج نستدی علویان در زمینه گسترش فرهنگ و علم و دانشی که به واسطه حکومت نوپای شیعی آنان به وجود آمده بود اقدامات خاصی انجام دادند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

حمایت‌های مالی و معنوی از اصحاب علم و فرهنگ

علویان طبرستان خود در ردیف عالمان کامل و فحول زمان قرار داشتند و اهل فضل را می‌نواختند از جمله اقدامات علویان در زمینه گسترش و ترویج فرهنگ شیعی حمایت از اصحاب علم و فرهنگ و دانش به عنوان مبلغین و مروجین این دست آورد عظیم شیعی بود. ابن اسفندیار نیز به حمایت‌های مالی علویان و داعی صغیر از اهل فضل و دانش اشاره داشته و می‌گوید: «داعی صغیر دستور می‌داد اگر عالم یا هنرمندی صاحب زمین بود، از او خراج گرفته نشود» به عبارت دیگر نقش سازنده علویان در ترویج سرمایه‌های علمی و فکری فرهنگ شیعی در طبرستان، تشویق و حمایت آنان از عالمان و فقیهان و دانشوران زمان خود است. به نحوی که در مورد حسن بن قاسم نوشته‌اند که او «اهل علم را در احترام و توقیر مبالغت لازم دانستی و از عرب و عجم بلغاء و شعراء و متکلم و مذکر و فقیه به حضرت او جمع آمدندی و در حق همه احسان مروت فرمودی».

تأسیس مدارس علمیه شیعی به عنوان مراکزی جهت تبیین و ترویج فرهنگ و علوم شیعه

شواهدی در دست است که ثابت می‌کند پیش از حاکمیت علویان نیز مدارسی در طبرستان و مخصوصاً شهر آمل وجود داشته است. چرا که محمد بن جریر طبری، متولد ۲۴۴ ق، مقدمات علوم را نزد علماء و فضیلا آمل فرا گرفت. در این تاریخ هنوز حکومت علویان در طبرستان شکل نگرفته بود. بعد از شکل‌گیری حکومت علویان، آنان نیز که به اهمیت و نقش علم و دانش در گسترش فرهنگ شیعی واقف بودند به این امر توجه خاصی مبذول داشته‌اند، از جمله اقدامات دولت علویان در جهت گسترش و ترویج دستاوردهای علمی فرهنگ شیعی را باید در اقدامات آنها در تأسیس مدارس علمیه ذکر کرد به نظر می‌رسد اولین مدارس علمی شیعی نیز در شهر آمل، بنا بر مرکزیت دولت علویان بنا گردیده باشد. در رابطه با حسن بن علی معروف به ناصر کبیر گفته‌اند که به تبلیغ اسلام و پرورش شاگردانی در مکتب خویش (که بعدها به ناصریه معروف شد) پرداخت. او بعد از دستیابی به حکومت طبرستان به حمایت از دانشمندان پرداخت و همچنین مکان‌های خاصی را برای تحصیل علم برای افرادی که علاقه‌مند به آموختن دانش بودند، ایجاد کرد. او در شهر آمل به تأسیس مدرسه اقدام کرد که گفته می‌شود نخستین مدرسه‌ای بود که در جهان اسلام ساخته شد، چون تا قبل از آن زمان فعالیت‌های علمی مسلمانان بیشتر در حلقه‌های درسی مساجد یا منازل صورت می‌گرفت. اولیا الله آملی در تاریخ

معروف خود به مدرسه ناصر کبیر در آمل اشاره می‌کند و ناصر کبیر در آن به تدریس فقه و حدیث و شعر و ادب می‌پرداخت. مرعشی در تاریخ رویان در رابطه با اقدامات ناصر کبیر معتقد است: از جمله اقدامات مهم ناصر کبیر آن است که در زمان امارت خویش به مسأله تعلیم و تربیت مردم و اهتمام به جهاد فرهنگی پرداخت، به نحوی که مدارس علمی در زمان وی رونق گرفته و از اطراف، جهت استفاده از علم و فقه و حدیث گرد می‌آمدند. در مورد حسن بن قاسم از داعیان دولت علویان طبرستان نوشت‌اند: «داعی به آمل به عدل و علم مشغول بود چند پاره مدرسه و خانقاه فرمود.» همین مدارس از بزرگترین عوامل رواج فرهنگ و نیز تربیت بزرگان علم و دانش بودند که امروزه فرهنگ این مرز بوم به وجود آنان فخر می‌ورزد. از جمله این مدارس می‌توان از دو حوزه درسی و علمی مهم شهر آمل نام برد که عبارتند از مدرسه ناصر کبیر و مدرسه داعی صغیر.

همچنین می‌توان قدمت حوزه علمیه گرگان قدیم و فعالیت در زمان اطروش (ناصر کبیر) را از همین قبیل فعالیت‌ها دانست. ظهیر الدین مرعشی می‌نویسد: «در همان حوالی که اکنون مشهد (ومحل دفن) اطروش است، وی مدرسه‌ای بنا کرده بود که سالها آباد بود و و اطروش مدت‌ها در آنجا ساکن شده و مردم از اطراف برای استفاده از علوم فقه و حدیث به سوی اطروش می‌آمدند.» تأسیس مساجد و کتابخانه‌ها، به عنوان پایگاه‌هایی برای بحث و جدل علمی، عقیدتی و فرهنگی ترویج علم و دانش در طبرستان آن زمان منحصر به مدارس نبود، بلکه مساجد و درمانگاه‌هایی نیز تأسیس شد که در آن علاوه بر خدمات عمومی به ترویج علوم مختلف فقهی، عقیدتی و پزشکی پرداخته می‌شد. البته مساجد پایگاه‌های اجتماعی و سیاسی مهمی نیز به شمار می‌رفتند. به نحوی که مورخان در رابطه با ناصر کبیر معتقدند که او پایگاه‌های متعددی برای کانون فعالیت خویش ایجاد کرد که مهم‌ترین نهادی که او برای فعالیت‌های علمی، فرهنگی و تبلیغات مذهب در اختیار داشت، مسجد بوده است. به همین دلیل مساجد زیادی در نقاط مختلف طبرستان و گیلان بنا کرد. راینو که خود از مستشرقین بنام در زمینه پژوهش در سرزمین‌های شمالی ایران است در کتاب خویش به بیان ویژگی‌های علمی و فرهنگی طبرستان قدیم نیز پرداخته و از اقدامات داعیان علوی در ساخت مساجد و درمانگاه برای مردم سخن گفته است همچنین ذکر شده که کتابخانه‌ای توسط حسن بن علی در شهر آمل احداث کرده که در کنار مدرسه‌ای که ساخته بود، مجتمع آموزشی بزرگی را تشکیل می‌داد. راینو به ساختن مساجد اشاره کرد که علاوه بر جایگاه عبادی و سیاسی دولت علویان به عنوان پایگاه‌هایی برای تعلیم و تربیت شیعی نیز به شمار

می‌رفتند. او اضافه می‌کند که برخی از آنها در حمله مسعود غزنوی در ۴۲۶ق از بین رفت صاحب کتاب گیلان از آغاز تا مشروطیت در این زمینه می‌نویسد: «امروز از میراث دولت علویان آنچه را که خواهیم یافت، مدارس، ساختمان‌ها، مساجد، کتاب‌ها، موقوفات و پاره‌ای از اسناد و نوشته‌هاست به این ترتیب توجه و علاقه به کسب علم و معرفت در میان مردم عمومیت یافت و آنان به پیروی از رهبران عقیدتی - سیاسی خویش به علم و دانش علاقه‌مند شدند. چنان که طبرستان و مخصوصاً شهر آمل به عنوان خاستگاه علماء، عرفا، فقها و نویسندگان از شهرتی خاص برخوردار شد به عبارت دیگر مهم‌ترین بعدی که در ابعاد تأثیرات فرهنگی علویان نمود پیدا کرد رشد علمی فزاینده در میان مردم بود که با دیدن روح حیات علمی اسلامی و شیعی دولت مردان علوی جذب ایشان شده بودند. بنابراین بی‌مناسبت نیست که علماء و محدثین و مورخین بزرگی در گستره دولت علویان ظهور کردند که هر کدام آثار ماندگار و بزرگی را به جای گذاشتن از جمله این افراد می‌توان بر «محمد بن جریر طبری» صاحب تفسیر کبیر و کتاب الولاية، طبری صاحب دلائل الامامه، علامه طبرسی صاحب مجمع البیان و مکارم الاخلاق، علامه ابو منصور طبرسی صاحب کتاب الاحتجاج و دهها نفر از بزرگان طبرستان اشاره کرد: نقش دولت علویان در گسترش ادبیات شیعه در طبرستان آنچه که از تواریخ بر می‌آید این است که داعیان علوی علاوه بر جایگاه علمی خود، در شعر و ادب نیز ید طولائی داشتند و خود از ادیبان دوران خود به شمار آمده و پایه‌گذار ادبیات متعهد شیعی در سرزمین طبرستان می‌باشند میترا مهرآبادی، مؤلف کتاب «تاریخ سلسله‌های محلی ایران» معتقد است در زمینه ادبیات و شعر، حاکمان علوی به طور کلی از زبان و ادبیات عربی حمایت کرده‌اند. چرا که خود عرب و عرب زبان بوده‌اند مؤلف کتاب علویان طبرستان در این زمینه می‌گوید: «از مطالعه آثار تاریخ نویسان و نویسندگان تراجم احوال پیداست که سادات علوی نه تنها حامل پیام در زمینه مسائل الهی و مذهبی بوده‌اند بلکه خود در عربیت و ادبیت دست داشته‌اند و بارگاه آنان محل نشو و نما و ملجأ و ملاذ پژوهندگان علوم دین و سایر فضلاء بود.» شوشتری با نقل قضایایی از طریق ابن کثیر شامی، حسن بن زید را فردی مطلع از ادبیات عرب و اصول نقد شعر و ادبیات دانسته و می‌گوید: روزی شاعری به عنوان مدح گفت: الله فرد و ابن زید فرد (یعنی همانطور که خدا یگانه است، حسن بن زید نیز منحصر به فرد و یگانه است!) داعی از این مطلع شعر به دلیل تشبیهی که شاعر بنابر وجه شبه آن بین جایگاه الله و او قائل شده است. به شدت عصبانی شد و گفت: الله فرد و ابن زید عبد (یعنی خدا یگانه است و حسن بن زید بنده اوست.) از شاعران بنام زمان او می‌توان از ابوالغمر هارون بن محمد -

شاعر طبری عرب زبان - یاد کرد. روایت شده است که روزی حسن بن زید حجامت کرده بود. ابولغمر به این مناسبت، دو بیت شعر برای حسن بن زید سرود که چندان در او اثر کرد که بی‌درنگ ده هزار درهم به او داد. هم چنین اشعار متعددی از او درباره جنگ‌های حسن بن زید روایت شده است. از شاعران مطرح زمان محمد بن زید عبدالعزیز العجلی بوده است که در حق او قصیده‌ای لایمه گفت و محمد بن زید در پاداش آن سی هزار درهم برای او فرستاد بذل بخشش بی‌ظنیر و گاه تفریطی حاکمان دولت شیعی علوی نسبت به شاعران و ادیبان بیانگر این حقیقت است که توجه داعیان دولت علوی به ادبیات و شعر از وجه تفتنی آن نبوده است. بلکه آنان برای شعر و ادبیات رسالتی قائل بودند. رسالتی که می‌توانست در گستره دولت شیعی آنان به عنوان ابزاری کارآمد در جهت ترویج و تبلیغ اندیشه‌ها و اهداف این دولت شیعی باشد. محمد بن زید یا داعی کبیر از بلغای روزگارش بوده است دبیر وی به نام ابوالقاسم الکاتب البلخی به فضل و بلاغت آوازه داشت. همین دبیر با آن همه فضل و بلاغت از بلاغت محمد بن زید در حیرت مانده بود. در مورد ناصر کبیر نیز نقل شده که او علاوه بر جایگاه شامخ علمی از توان شاعری بالایی برخوردار بوده است. او پس از کشته شدن محمد بن زید و تسلط سامانیان بر طبرستان، در دیلمان و گیلان به سرودن در رثای محمد بن زید مبادرت کرد و کوشید تا یاد و خاطره او از ذهن مردم نرود و بدین سان زمینه را برای خروج آینده خود نیز آماده کرد، از این رو اشعار او را می‌توان اشعار سیاسی - مذهبی دانست که کارکرد آنها در آن روزگار، شاید از اقدام عملی نیز مؤثرتر بود. از شعرای زمان ناصر کبیر، می‌توان به اخطلی اشاره کرد. گفته شده که چون ناصر کبیر از کار حکومت کناره گرفت، مردم از سراسر جهان برای استفاده علوم سوی او روی نهادند و از علم و فقه و حدیث و نظر و شعر و ادب او استفاده می‌کردند. البته موضوع شعر و ادبیات در عصر علویان طبرستان به همین موارد محدود نشده و گاه اشعاری در وصف، هجو، مدح، رثا و... در میان اندک آثار این دوره دیده می‌شود برای مثال «هزار فن» این بیت فارسی را که از لطافت جناس مفلک برخوردار است، به ناصر کبیر نسبت می‌دهد.

ندیدم خوش تر از مازندران، جا الهی خیمه ما زن در آن جا
اما به نظر نگارنده نمی‌توان چنین شعری را به درستی به او نسبت داد. چرا که با توجه به این که نام طبرستان در آن زمان عمومیت بیشتری داشته است. از طرف دیگر طبق نظر بهار در سبک شناسی گفتن شعر به زبان فارسی، آن هم از زبان علویان بعید به نظر می‌رسد. بهار در این زمینه می‌گوید: «طبرستان به دست سادات زیدی استقلال یافت و سیاست بغداد از تأثیر مستقیم و

عمل شمشیر، به تأثیر غیر مستقیم و عمل قرطاس و قلم و دسیسه بگردید. زبان فارسی، در سرتاسر ایران مرسوم و متداول بود و هر ایالتی به لهجه خود سخن می گفت، لیکن زبان علمی و ادبی، عربی بود بنابراین زبان عربی در دوران تسلط علویان بر طبرستان زبان رایج، رسمی و قاطع و حاکم به شمار می رفت و با آن که طی دو قرن دوم و سوم و نیم قرن اول سده چهارم، طبرستان گرفتار کشمکش های سیاسی و محل بر خورد عقاید مذهبی بود، اما همواره زبان عربی چیرگی خود را حفظ کرده بود، همان طور که گفته شد گرایش شعری در این دوره بر حول محورهای گوناگونی می گشت. اما عمده این محورها مدح و رثا و عمدتاً با مایه ها و آموزه های شیعی بود. برای مثال ابوالحسن علی، فرزند ناصر کبیر پس از شهادت محمد بن زید مرثیه ای سرود که ابیاتی از آن در تاریخ طبرستان ابن اسفندیار مندرج است:

فیا نكبۃ اضحی لها ال احمد عبادیدشتی بعد الف بجمع
غدت آمل قفراً خراباً قصوراً و کانت حمی للساخط المتمنع

«این چه سوگی بود که آل احمد را فرا گرفت، آنان را که شمع هر جمعی بودند به تلخی پراکند... قصرهای آمل از پریشانی رو به ویرانی نهاد و جایگاه بد سگالان سرکش گردید» با نگاهی بر این نوع رثا در اشعار علویان طبرستان در می یابیم که این نوع اشعار در ادامه اشعار مشهور شیعیان بوده است مضامین و تصاویر به کار گرفته شده در این اشعار شباهت فراوانی به اشعار شاعرانی چون دعبل، شاعر معروف شیعه دارد و با تطبیق آن اشعار با اشعاری که در رثای علویان سروده شده است می توان به استمرار آن رویه شعری در عرصه ادبیات شیعه پی برد برای مثال با مقایسه شعر ذکر شده و این شعر دعبل می توان برخی از مهم ترین وجوه شباهت آن را بر شمرد.

مدارس آیاتِ خلتِ مِن تلاوةِ	و منزلٌ وحی مُقفرٌ لعَرَصاتِ
لآل رسول الله بالخیفِ مِن منی	و بالرکن والتّعریفِ والجمراتِ
دیارِ علیّ و الحسین و جعفر	و حمزه و السجادِ ذی الثغیناتِ
و بسطی رسول الله و ابْنی نبیه	و وارثِ علم الله و الحسناتِ
منازل و حی الله یَنزلُ بی نها	علی احمد المذکور فی السوراتِ
منازل قوم یُهدی بهداهم	فثومَن منهم زَلۃ لِعَثراتِ
منازل کانت للصلاة و للتقی	و للصوم و التطهیر و الحسناتِ
دیار عفاها جورٌ کلّ مُنابذِ	و لمتغف لایام و السنواتِ

از دیگر شاعران این دوره می‌توان از ابو الله احمد بن محمد الولیدی، عمر بن احمد و عبدالله بن محمد کاتب اشاره کرد

نتیجه‌گیری:

حضور علویان در شمال ایران و تشکیل حکومتی نسبتاً مقتدر و مستقل که سنگ بنای قدرت خود را از آموزه‌های شیعی برگرفته بودند. موجب به وجود آمدن زمینه‌ای بسیار مناسب برای نشر و گسترش علوم و ادبیات شیعی در گستره طبرستان گردید. این مهم با عملکردها و برنامه‌های مناسبی که برخی از دولتمردان علوی همچون حسن بن زید و ناصر کبیر داشته‌اند و در پی اقداماتی همچون تأسیس مدارس علمیه، کتابخانه‌ها و مراکز درمانی و تشکیل حلقه‌های بحث و جدل علمی و ادبی و همچنین در سایه سار تشویق‌ها و حمایت‌های مادی و معنوی که علویان از اصحاب علم و ادب انجام می‌دادند، دست یافتنی شد به طوری که این دوره را می‌توان از دوران طلایی در تاریخ تشیع به شمار آورد که سنگ بنای نهضت‌های علمی و ادبی شیعی در آن گذاشته شده است.

کتاب‌نامه

- ۱- آملی، محمد بن حسن اولیاء الله (۱۳۸۳) **تاریخ رویان**، تصحیح: منوچهر ستوده، تهران، اقبال، چاپ اول.
- ۲- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۶۶ ش) **تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران**، ترجمه عباس خلیلی، تهران، انتشارات علمی.
- ۳- ابن اسفندیار، بهاء الدین محمد بن حسن، (بی تا) **تاریخ طبرستان رویان و مازندران**، تهران، نشر خاور.
- ۴- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۵۰ ش- ۱۳۹۳ ق) **الفهرست فی اخبار العلماء المصنفین من القدما و المحدثین و اسماء کتبهم**، تحقیق رضا تجدد، تهران، بینا.
- ۵- ----- (۱۳۶۶) **الفهرست**، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم.
- ۶- بهار، محمد تقی، **سبک‌شناسی** (یا تاریخ تطور نثر فارسی) ج ۱، تهران، بی نا.
- ۷- حکمیان، ابوالفتح (۱۳۶۸) **علویان طبرستان**، تحقیق در آثار و عقاید فرقه زیدیه ایران، تهران، انتشارات الهام.

- ۸- حسینیان مقدم، داداش نژاد، منصور و ... (۱۳۸۶) **تاریخ تشیع** (۲) دولت ها، خاندان ها و آثار علمی و فرهنگی شیعه، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۹- الخزاعی، دعبل بن علی (۱۹۸۹-۱۴۰۹) **الدایون**، تصحیح: محمدیوسف نجم، بیروت، دارالثقافه.
- ۱۰- رایینو، ه ل (۱۳۶۵) **مازندران و استرآباد**، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- ۱۱- زیدان، جرجی (۱۳۳۶) **تاریخ تمدن اسلام**، ج دوم، ترجمه: علی جواهری کلام، تهران: امیرکبیر.
- ۱۲- سیدکباری، سیدعلیرضا (۱۳۷۸) **حوزه‌های علمیه شیعه در گستره شیعه در گستره جهان**، تهران، نشر امیرکبیر.
- ۱۳- شوشتی قاضی نورالله (۱۳۵۴) **مجالس المومنین**، تهران، نشر اسلامی.
- ۱۴- میر سعید نیک زاد لاریجانی، ----- **تاریخ آمل تا زمان جویر طبری**، در قلمرو مازندران، بابل، چاپ نقش جهان صص ۱۴۰-۱۳۸.
- ۱۵- قهرمانی نژادشائق، بها الدین (۱۳۷۸) **علویان طبرستان پرچمداران امر به معروف**، قم، نشر نور السجاده، چاپ اول.
- ۱۶- مرعشی، سید ظهیرالدین (۱۳۶۱) **تاریخ طبرستان و رویان و مازندران**، به کوشش محمد حسین تسبیحی، تهران، نشر شرق.
- ۱۷- مهجوری، اسماعیل (۱۳۴۲) **تاریخ مازندران**، ساری.
- ۱۸- مهرآبادی، میترا (۱۳۸۷) **تاریخ سلسله‌های محلی ایران**، تهران، دنیای کتاب، چاپ اول.
- ۱۹- میرابولقاسمی، محمدتقی (۱۳۶۹) **گیلان از آغاز تا مشروطیت**، رشت، نشر هدایت.
- ۲۰- نجاشی، ابوالعباس (۱۴۰۸) **رجال نجاشی**، بیروت، نشر دارالاضواء.
- ۲۱- پرورش در اسلام و ایران، **دانشگاه پیام‌نور**، چاپ چهارم، وکیلان، منوچهر (۱۳۷۶) تاریخ.